

# نامهای قرآن

بررسی جامعی در باره همه نامهایی که  
قرآن از آغاز تا کنون داشته است

- « خداوند کتاب خود را برخلاف »
- « نامهایی که عرب بر کلام خود »
- « مینهاد ، نامگذاری کرد ... »
- (جاحظ نویسنده شهیر و توانای عرب)

\* \* \*

قرآن به نامهای زیادی خوانده شده است تا آنجا که بدرالدین زرکشی در کتاب خود «البرهان فی علوم القرآن» (۱) ۵۵ اسم برای قرآن بر می شمرد و خود اومی نوید که «حرالی» در این باره کتابی نوشته و متجاوز از ۹۰ نام برای قرآن شمرده است و شیخ طاهر جزائری نیز این تعداد را در کتاب «التبیین لیمض المباحث المتعلقة بالقرآن» از قول بعض علماء نقل میکند و عبدالعظیم زرقانی (۲) هم این عدد را در کتاب خود بر اساس نقل صاحب تبیان آورده است .

ولی باید دانست که این اسامی از اطلاقات آیات گرفته شده و متأسفانه فراموش کرده اند که میان اسم و صفت تفاوت قائل شوند و بنا بر این اغلب نامهایی که ذکر شده در حقیقت صفاتی (۳) می باشند که برای کلام خدا یاد گردیده است .  
برای نمونه یاد آور میشویم که لفظ «قرآن» و لفظه کریم ، باستناد آیه شریفه :

(۱) جلد اول صفحه ۲۷۳ چاپ ۱۹۵۷ م. مصر

(۲) مناهل العرفان ص ۸

(۳) مؤلف «فهارس القرآن» ۸۳ نام و صفت برای کلام اله مجید از خود قرآن بر می شمرد

«انه لقران کریم» (۴) ولفظ «ذکر» و «مبارک» با اعتمادآیه کریمه : «وهذا ذکر مبارک انزلناه» (۵) ازاسامی قرآن بشمارآمده‌اند وحال آنکه روشن است که «قرآن و ذکر» در دوآیه مزبوراسمند ولی «کریم ومبارک» صفت قرآن و ذکر میباشند .

\* \* \*

آنطورکه ازبرخی آثاراستفاده میشود ، نخستین نامی را که برمجموعه کلام الهی

نهادند ، «مصحف» بود .

«سیوطی» ازتاریخ مظفری و کتاب المصاحف «ابن شته» نقل میکند که پس از درگذشت رسولخدا ، عده‌ای پیشنهاد کردند که نامی بر قرآن بنهند بعضی گفتند آنرا باسم «انجیل» بنامید که مورد پسند قرار نگیرد وعده‌ای هم پیشنهاد کردند که نام آن «سفر» مانند سفرهای پنجگانه تورات باشد که آنهم مورد قبول واقع نشد ، سرانجام عبدالله ابن مسعود صحابی رسولخدا (س) گفت : در مهاجرتی که بحبشه کردیم کتابی دیدم که آنرا «مصحف» میخواندند این نام پذیرفته شد وبرقران مجید اطلاق گردید . (۶) ولی آنطورکه بنظر میرسد نخستین نام آسمانی این کتاب مقدس همان «قرآن» میباشد و «مصحف» نخستین نامی است که مسلمانان برمجموعه نوشته شده قرآن نهادند .

البته کلمه «مصحف» برای عرب پیش از اسلام ناشناخته نبود وحتمی در اشعار زمان جاهلیت اسفانصارا «مصاحف» نامیده شده (۷) و کلمه «صحیفه» نیز در بیته منسوب به «لقیط ایادی» (۸) از شعرای عرب زمان انوشیروان بجا مانده است . (۹)

## لفظ قرآن

لفظ قران پیش از همه نامهای کلام الله مجید شهرت یافته و در خود قرآن ۵۸ بار از آن یاد شده است که عبارتند از آیات :

(۴) واقعه ۷۷

(۵) انبیاء ۵۰

(۶) الاتقان : ج ۱ نوع ۱۷ ص ۵۱

(۷) العقد الثمین ص ۱۶۱

(۸) لقیط بن یعمر (معمر) الایادی از اعراب ساکن عراق و از قبيلة ایاد بود که در زمان انوشیروان راهزنی میکردند و خراج نمی‌دادند ،

(۹) تاریخ قرآن دکتر رامیار ص ۶

«شهر رمضان الذي انزل فيه القرآن» (۱۰) - «افلا يتدبرون القرآن» (۱۱)  
 «واذا قرء القرآن فاستمعوا له وانصتوا...» (۱۲) وآیات ۱۰۱-۱۰۰ مائده، ۱۹۰ انعام،  
 ۱۱۱ توبه، ۱۵-۳۷-۶۱ یونس، ۳- یوسف، ۱-۸۷-۹۱ حجر، ۹۸ نحل، ۹-۴۱-۴۵-  
 ۴۶-۶۰-۷۸-۸۲-۸۸-۸۹ اسراء، ۵۴ کف، ۲-۱۱۴ طه، ۳۰-۳۲ فرقان، ۱-۶-۷۶  
 ۹۲ نمل، ۵۸ قصص، ۵۸ روم، ۳۱ سبا، ۲- ۶۹ یس، اس، ۲۷ زمر، ۲۶ فصلت، ۳۱  
 زخرف، ۲۹ احقاف، ۲۴ محمد، ۱-۴۵ ق، ۱۷-۲۲-۳۲-۴۰ قمر، ۲ الرحمن، ۷۷ واقعه،  
 ۲۱ حشر، ۴-۲۰ مزمل، ۲۳ الانسان، ۲۱ انشاق، ۲۱ بروج .. (۱۳)

«لحياني» وپيروانش کلمه «قرآن» را برون «شقران» مشتق از قرء بمعنی  
 خوانده شده میدانند و بنا بر این مصدری است بمعنای اسم مفعول (از باب تسمیه مفعول باسم  
 مصدر) و بر این عقیده است عبدالله ابن عباس (۱۴) و بنا بر قول قتاده مصدر «قرأت الشیء»  
 است بمعنی جمع کردن و شاهد هم گفته عمرو بن کلثوم تغلبی شاعر زمان جاهلیت است که در  
 معلقه معروف خود میگوید :

**ذراعی عیطل ادماء بکر هجان اللون، لم تقرأ جنینا (۱۵)**

توصیف شتری است که هیچگاه بارنگرفته، و شاهد مثال «لم تقرأ جنینا» است  
 که شتر مزبور رحم خود را بر هیچ بچه‌ای جمع نمی‌کند.

اشعری و پیروانش آنرا مشتق از «قرن» بمعنی ضمیمه کردن چیزی بچیز دیگر پنداشته‌اند  
 و میگویند چون سوره‌ها و آیات بیکدیگر نزدیک و مقرون می‌باشند، کلام الهی قرآن نامیده  
 شده است (۱۶) و بهمین مناسبت جمع میان حج و عمره را نیز (حج قرآن) خوانند.

شافعی بر این عقیده است که لفظ «قرآن» اساساً مشتق نیست بلکه اسم خاصی است  
 که بصورت ارتجال برای کلام منزل بر پیغمبر (ص) علم شده است. (۱۷)

آنطور که دانشمندان فن اظهار نظر میکنند از نظر قواعد اشتقاق و موارد لغت، تأویل  
 و عقیده ابن عباس و لحياني محکمتر از سایر آراء است و از طرفی بنا بر اینکه قرآن را مشتق از  
 قرء بدانیم معنای آیه شریفه: **«فاذا قرأناه فاتبع قرآنه»** این است: چون آنرا

(۱۰) بقره ۱۸۵: ماه رمضان همانست که قرآن در آن فرود آمد

(۱۱) نساء ۸۲: آیا در نیندیشند و قرآن. (۱۲) اعراف ۲۰۴: و هنگامیکه قرآن

خوانده میشود بدان گوش فرا دهید و خاموش باشید. (۱۳) المعجم المفهرس ص ۵۲۹

(۱۴) التبیان فی تفسیر القرآن شیخ طوسی ص ۱۸. (۱۵) همان مدرک.

(۱۶) معارف اسلامی شماره اول ص ۴۹

(۱۷) الاتقان نوع ۱۷ ص ۵۱

تلاوت کنیم ، پس از آنچه که بقراءت خود برتوروشن ساختم پیروی کن .  
ولی بنا بواقعه قناده معنی آیه این خواهد شد : چون آنرا جمع و تألیف کردیم ، از آن  
تألیف پیروی کن . و حال آنکه پیش از جمع و گردآوری همه قرآن ، پیروی فرد فرد آیات  
نازل شده فرض و واجب بوده است . ( ۱۸ )

بعضی در قرءه ، اما خود از ریشه های آرامی ( ۱۹ ) گرفته که در میان غرب متداول شده است  
مستشرقینی از قبیل کرنکوی Krenkow و برجس تراشر Bergtsaesser میگویند : لغات آرامی  
حبشی و پهلوی بحکم همسایگی ، آثاری در زبان عرب گذارده اند . ( ۲۰ ) و مستشرق فرانسوی  
رژی بلاشر Rogis-Blochere در کتاب خود ( مقدمه ای بر قرآن ) ( ۲۱ ) کلمات زیادی را نام  
میبرد که از ریشه های آرامی و غیر آرامی گرفته شده و در زبان عرب رواج یافته است از قبیل :  
قرء - کتب - کتاب - تفسیر - تلمیذ - فرقان - قیوم - زندق - دجال . . .

در اینجا یادآوری این نکته لازم بنظر میرسد در صورتیکه ثابت گردد که پاره ای از کلمات  
ریشه آرامی و غیر آرامی داشته ، با توجه باینکه آنها در عرب قبل از اسلام متداول بوده ،  
عربی بحساب می آیند و با استعمال آنها در قرآن ، کلام الهی را از عربی بودن خارج نمیسازد ( ۲۲ )  
اسامی دیگر قرآن :

۱- فرقان ( فرق دهنده میان حق و باطل ، راست و دروغ ) این کلمه در ۷ مورد ( ۲۳ )  
از قرآن کریم ذکر شده است از آن جمله آیه : **تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ**  
**لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا** ( ۲۴ ) ، میباشد .

۲- ذکر ( یادآوری ) بجهت اشمال قرآن مجید بر پندها و موعظه ها و بیان اخبار  
ملتهای گذشته و بمعنای شرف نیز آمده است : **وَاِنَّ لَذِكْرِكَ لِقَوْمِكَ** ( ۲۵ ) یعنی برای

( ۱۸ ) التبیان ص ۱۸

( ۱۹ ) آرامی رشته های است از رشته های لغات سامیه مانند بابلی - آشوری - عربی -

سبئی - معینی - عربی و حبشی

( ۲۰ ) مباحث فی علوم القرآن دکتر صبحی صالح استاد ادبیات دانشگاه دمشق ص ۱۱-۱۲

( ۲۱ ) چاپ ۱۹۵۹م - پاریس ص ۵

( ۲۲ ) معارف اسلامی شماره ۱ ص ۴۹

( ۲۳ ) المعجم المفهرس ص ۵۱۷

( ۲۴ ) فرقان ۱

( ۲۵ ) زخرف ۴۴

تو و قوم تو شرف مییابد. این لفظ در ۲۰ مورد (۲۶) از قرآن مجید بعنوان نام قرآن آمده است و از

آن جمله است: **اَنَا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (۲۷)**

۳- **تَنْزِيلَ (فِرْعَوْنَ وَرَأْسِ تُوغْيَا وَنُوحٍ) - وَإِنَّا لَنَزَّلْنَاهُ بِقُرْآنٍ مُّبِينٍ (۲۸)**

۴- **الْكِتَابِ نُوْثَةً (کامل) این کلمه در ۱۱۸ مورد (۲۹) از قرآن کریم بعنوان اسم قرآن**

ذکر شده است که از آن جمله آیه: **ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ، هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (۳۰)**

می باشد.

در میان همه اسامی کلام الله مجید، قرآن و کتاب مشهورتر مییابد. (۳۱)

دکتر محمد عبدالله دراز، بنویسد: اینکه کلام الهی قرآن و کتاب نامیده شده است بدینسبب مییابد که هم باید بوسیله زبان تلاوت گردد و هم بوسیله قلمها تدوین شود و در نامگذاری آن به این دو اسم اشاره به این حقیقت است که کلام الهی باید در دو موضوع حفظ و نگهداری شود، هم درسینه‌ها و هم در سطرها، زیرا اکتفاء به حافظه حافظ قرآن بدون اینکه با نوشته‌ای که همه اصحاب بر آن اتفاق دارند و نسل بنسل بر اساس همان هیئت نخستین بما رسیده است، کافی نیست و همچنین به نوشته نویسنده‌ای بدون استناد به توافق حافظ قرآن که با اسناد صحیح و متواتر نقل شده، اعتباری نخواهد بود. و همین عنایت مزدوج و دوگانه بود که قرآن را از انقطاع سند و هر گونه تبدیل و تحریف نگهداری نمود. (۳۲)



(۲۶) المعجم المفهرس ص ۲۷۳

(۲۷) یوسف ۱۲- این آیه در دو جای دیگر قرآن نیز آمده (یوسف ۶۳- حجر ۱۵)

(۲۸) شعراء ۱۹۲

(۲۹) المعجم المفهرس ص ۵۹۲ تا ۵۹۵

(۳۰) بقره ۲

(۳۱) مباحث فی علوم القرآن مناع خلیل القطان استاد تفسیر دانشگاه ریاض ص ۱۹

(۳۲) النبأ العظیم ص ۱۲